

تحلیل نقش و جایگاه شهرهای کوچک در توازن و توسعه منطقه‌ای (مورد مطالعه: غرب کلان منطقه زاگرس)

اسماعیل علی اکبری*

استاد جغرافیا، دانشگاه پیام نور، ایران

مصطفی طالشی

دانشیار جغرافیا، دانشگاه پیام نور، ایران

محمد فرجی دارابخانی

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، ایران

دریافت: ۹۴/۰۹/۲۸ پذیرش: ۹۴/۱۲/۲۲

چکیده: نحوه استقرار جمعیت و فعالیت در فضا که در ادبیات توسعه با عنوان آمایش سرزمین از آن یاد می‌شود، عامل اصلی توازن و توسعه در مقیاس ملی و منطقه‌ای است. این مقاله با هدف ارزیابی سیاست شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای، جایگاه شهرهای کوچک غرب کلان منطقه زاگرس را در توزیع جمعیت و تولید اشتغال مطالعه کرده است. روش مقاله، توصیفی- تحلیلی مبتنی بر داده‌های اسنادی است که در نرم‌افزارهای GIS و EXCEL، تحلیل کیفی شده‌اند. نتایج نشان دادند توزیع ظرفیت‌های جمعیتی و فرصت‌های اشتغال بین طبقات شهری، نامتعال و در جهت خلاف توازن منطقه‌ای در جریان است. معدود شهرهای بزرگ و میانی (۹ درصد شهرها)، ۶۸ درصد جمعیت و شبکه شهرهای کوچک و روستا- شهرها که ۹۱ درصد نقاط شهری را تشکیل می‌دهند، تنها ۳۲ درصد جمعیت شهرنشین را در خود اسکان داده‌اند. ساختار فضایی اشتغال شهری نیز با عدم تعادل مواجه است؛ در نتیجه، نظام شهرنشینی منطقه، با حداکثر تمرکز جمعیت و فعالیت، زیرساخت‌ها و انواع ظرفیت‌های اشتغال با تسلط بخش خدمات و صنعت در شهرهای بزرگ و میانی و در مقابل، حداکثر پراکندگی در بخش اعظم منطقه و شهرهای کوچک آن روبه‌رو است. اگرچه سیاست‌های توسعه منطقه‌ای، بر رویکرد شهرهای کوچک تأکید دارند، اما تحولات شهرنشینی منطقه برخلاف سیاست‌های فوق، موجب تمرکزگرایی و سلطه سطوح بالای نظام شهری می‌شوند و به نقش شهرهای کوچک در کاهش نابرابری و ایجاد توسعه و توازن منطقه‌ای، کمتر توجه شده است.

واژگان کلیدی: نظام شهری، ساختار جمعیت و اشتغال، توسعه و توازن منطقه‌ای، شهرهای کوچک، غرب کلان منطقه زاگرس

طبقه‌بندی JEL: P25, R11, N75, R13

* مسئول مکاتبات: aliakbariesmaeil@yahoo.com

۱- مقدمه

در هر کشوری، توجه برنامه‌ریزی‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها به نفع لایه‌های بالای نظام شهری و غافل شدن از نقش توسعه‌ای شهرهای کوچک و سلسله‌مراتب پایین سکونتگاهی، علاوه بر توزیع نامتوازن و غیرعادلانه فعالیت‌های اقتصادی، موجب پراکنش نابرابر جمعیت در سطوح ملی و منطقه‌ای می‌شود که امروزه، یکی از مشکلات دولت‌ها در سازماندهی ساختار فضایی مطلوب ملی و از موانع مهم توسعه اقتصادی-اجتماعی می‌باشد. حوزه‌های اشتغال‌زا و پرتوان (قطب‌های متمرکز)، با جذب نیروی کار بیشتر و حوزه‌های پیرامونی بی‌رونق و کم‌توان که منطبق با شهرهای کوچک و حوزه‌های روستایی می‌باشند، با دفع نیروی کار و جمعیت مواجه هستند.

در نظام شهری غرب کلان منطقه زاگرس، از بعد جمعیتی و اقتصادی، برخی ناهمگونی‌ها وجود دارد؛ چنان‌که توزیع فضایی جمعیت شهری، فعالیت‌های اقتصادی، امکانات زیربنایی، سهم اشتغال و تولید شهرها و طبقات شهری، ناموزون می‌باشد و نیز تا حدی عدم تعادل‌های بخشی (بین بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات) و منطقه‌ای (فضاهای حاشیه‌ای و قطب‌های توسعه)، بر آن سایه افکنده است.

این منطقه تقریباً از دهه ۳۰، الگوی جدیدی از شهر، شهرنشینی شتابان و توسعه شهری با نقش‌آفرینی دولت را تجربه کرده که به موجب آن، تغییرات جمعیتی و اقتصادی زیادی را شاهد بوده است (فرجی دارابخانی، ۱۳۸۴)؛ به طوری‌که ضریب شهرنشینی آن از ۳۷/۸ درصد در سال ۱۳۵۵، به ۶۷/۶ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته و نقش اقتصادی شهرها بر مبنای خدمات، شکل گرفته است (مرکز آمار ایران، ۹۰-۱۳۵۵).

حرکت مکانی جمعیت که در الگوی استقرار جمعیت مؤثر است، واکنشی به عدم توازن و ناهم‌انگهی کارکردها و ساختارهای اجتماعی-اقتصادی می‌باشد و علت اصلی آن، توزیع نامتعادل امکانات و فرصت‌ها در راستای تأمین

نیازهای اساسی تمام نقاط جغرافیایی است (توفیق، ۱۳۷۱). عملکرد و موجودیت شهر به‌عنوان پدیده‌ای پویا، در تحرک و پویایی شاخص جمعیتی آن ظاهر می‌شود (علی‌اکبری، ۱۳۹۰). جمعیت بر عملکرد اقتصادی و اجتماعی جامعه تأثیر می‌گذارد و در عین حال از سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی نیز تأثیر می‌پذیرد (فتحی، ۱۳۸۱). برقراری رابطه منطقی بین جمعیت، فعالیت و توسعه، باعث توسعه هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و اعتلای سطح زندگی می‌شود (ساعی ارسی، ۱۳۸۹). از این رو شهرهای کوچک، از موفق‌ترین نمونه‌های سکونتگاهی در راستای رفع ناموزونی‌های منطقه‌ای و نابرابری‌های فضایی هستند (Blowers, 2013)؛ زیرا اغلب توانسته‌اند حلقه اتصال سطوح پایین با سطوح میانی و بالای نظام سکونتگاهی باشند و در کاهش عدم تعادل‌ها، جذب سرریزهای جمعیت شهرهای بزرگ و متوسط و جهت‌دهی مثبت به تحرکات جمعیت روستایی، سهم و جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص دهند.

به‌طور کلی هدف این پژوهش، ساختارشناسی شهرنشینی، فضایی و اقتصادی (اشتغال) کلان منطقه غرب زاگرس، به منظور دستیابی به راهکارها و راهبردهای جدید توسعه متوازن شهری-منطقه‌ای بر پایه شهرهای کوچک آن می‌باشد. از این رو، سؤالات تحقیق عبارتند از:

۱- آیا نظام شهری غرب کلان منطقه زاگرس و ظرفیت‌سازی اشتغال و فعالیت شهری آن، از توازن و تعادل برخوردار است؟

۲- آیا شهرهای کوچک منطقه، از نظر جمعیتی، اقتصادی و ظرفیت‌سازی اشتغال و فعالیت، عملکرد موفقی در توازن بخشی نظام شهرنشینی و اقتصادی آن داشته‌اند؟

۲- پیشینه تحقیق

الف) پژوهش‌های خارجی

هیندرینک و تیتوس^۱ (۲۰۰۲) در تحقیقی بیان کردند که نظریات مختلفی، سهم قابل توجه شهرهای

کوچک در راستای گسترش مدرنیزاسیون، تأثیر بر توسعه مناطق روستایی، ایفای نقش به عنوان مراکز خدمات رسانی و جلوگیری از مهاجرت های روستایی به شهرهای بزرگ را تأیید کرده اند.

سلیمان^۱ (۲۰۰۴) در مقاله ای به این نتیجه رسید که زیرساخت ها و خدمات، سنگ بنای توسعه منطقه ای هستند و نیز بر نقش سرمایه گذاری های دولت در توسعه شهری تأکید کرده است.

تاکی^۲ (۲۰۰۴) در مقاله ای نتیجه گرفت که کشاورزی پررونق می تواند زیربنای توسعه شهرهای کوچک محلی باشد. تنوع منابع درآمدی به طور فزاینده ای برای شهرهای کوچک و روستاها مهم است و فعالیت های غیر کشاورزی اطراف شهرهای کوچک که مستلزم رفت و آمد روستاییان به شهرهای کوچک می باشد، احتمال بیشتری برای تحریک رشد اقتصادی منطقه دارند.

کاماندا^۳ (۲۰۰۷) با مطالعه شهرهای کوچک آمریکای جنوبی نتیجه گرفت که توسعه و تقویت شهرهای کوچک، منجر به ایجاد اشتغال، تمرکز دایی و کاهش نابرابری های ناحیه ای شده است.

لیو و کامپبل^۴ (۲۰۰۹) در مقاله ای، درک پویایی های اکولوژیکی و اقتصادی سیستم های کشاورزی در شهرهای پیشرو کوچک چین را حائز اهمیت دانسته و توسعه صنعتی و کشاورزی شهرهای کوچک که برای بهره برداری کامل از نیروی کار مازاد روستایی چین مورد استفاده قرار می گیرد را استراتژی اصلی مدیریت زیست محیطی آن بر شمرده اند.

مرکز توسعه اقتصاد روستایی^۵ (۲۰۰۶) در تحقیقی، اهداف طرح شهرهای کوچک را تحریک سرمایه گذاری، ایجاد اشتغال در شهرهای کوچک توسط منابع داخلی و خارجی و تشویق شهرهای کوچک به ارتباط فعالانه اقتصادی با طیف گسترده ای از سکونتگاه های منطقه ای، بر شمرده است.

کیواتک- سولتی^۶ (۲۰۱۱) در تحقیقی، موانع و عوامل رشد شهرهای کوچک لهستان را بررسی کرد و ادعان داشت که فرصت توسعه کشور بستگی به وضعیت شهرهای کوچک دارد. وی توسعه یافتگی شهرهای کوچک را منوط به اقتصاد گردشگری، تفریح و استراحتگاه، زیرساخت های فنی توسعه یافته (عمدتاً مسکن)، بهداشت، آموزش، نقش فرهنگی، مجاورت با شهرهای بزرگ، فعالیت های اقتصادی و سیاست های حمایتی عام المنفعه دولت با تغییرات فضایی و تغییر در بازار محلی دانسته است.

ب) پژوهش های داخلی

خداداد و همکارانش (۱۳۹۳) در مطالعه ای به بررسی نقش شهرهای کوچک در برنامه ریزی توسعه منطقه ای در استان گلستان، با روش توصیفی- تحلیلی و پیمایشی پرداختند. نتایج به دست آمده از مدل آنتروپی نشان دادند که شهرهای کوچک در محدوده مورد مطالعه، باعث تعادل جمعیتی در منطقه گرگان شده است. همچنین نتایج حاصل از روش رگرسیون چندمتغیره نشان دهنده سیر نزولی بخش کشاورزی و سیر صعودی بخش خدمات در شهرهای کوچک می باشند.

روستایی و باقری (۱۳۸۹) در مطالعه ای، به بررسی عملکرد شهرهای کوچک در توسعه منطقه ای بخش مرکزی شهرستان رزن پرداختند. در این مطالعه از مدل ضریب ویژگی، ضریب مرکزیت، ضریب کشش پذیری، روش تحلیل عاملی و مدل تاکسونومی عددی، استفاده شده است. نتایج نشان دادند که شهر رزن از نظر شاخص های توسعه شهری و تنوع کارکردی، توسعه یافته شده و روابط جدید و پایداری بین سکونتگاه های منطقه به وجود آمده و همچنین باعث سازماندهی فضایی منطقه شده است.

محمدزاده (۱۳۹۱) در تحقیقی به بررسی وضعیت شهرهای کوچک در سلسله مراتب شهری ایران طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ پرداخت. یافته های پژوهش نشان دادند که تعداد شهرهای کوچک طی دوره مورد

- 1- Soliman
- 2- Tacoli
- 3- Kamanda
- 4- Lu and Campbell
- 5- Rural Economic Development Center

6- Kwiatek-Sołtys

مطالعه، ۵/۵ برابر شده است. همچنین نتایج ضریب آنتروپی نشان دادند که شهرهای کوچک، نقش مهمی در افزایش ضریب آنتروپی و جلوگیری از تمرکزگرایی در شبکه شهری ایران دارد.

نظریان (۱۳۷۸) در مطالعه‌ای، نقش و جایگاه شهرهای کوچک در توسعه ملی را بررسی کرد و به این نتیجه دست یافت که تقویت شهرهای کوچک در ایجاد تعادل و توسعه منطقه‌ای، ضروری است.

فنی (۱۳۸۲) در تحقیقی نتیجه گرفت که شهرهای کوچک، حلقه‌های مهمی برای جلوگیری از تمرکزگرایی شبکه شهری و نیز عامل مهمی در توزیع متعادل جمعیت و فعالیت منطقه هستند.

۳- مبانی نظری

ایجاد توازن و تعادل در الگوی استقرار جمعیت و فعالیت، به سیاست‌ها و استراتژی‌های توسعه ملی و شهری، کانون‌های زیستی و گرایش‌های مهاجرتی بستگی دارد (ارجمندنیا، ۱۳۷۰).

به نظر فریدمن^۱، رشد اقتصادی به پیدایش یک سلسله‌مراتب پیوسته به یکدیگر و توسعه‌یافته از نظر کارکردی شهرها مربوط است. لذا وی برای تشویق رشد یکپارچه، سلسله‌مراتبی از شهرها را برای یکپارچه کردن پیرامون با مرکز تبلیغ مؤثر می‌داند و هم‌زمان به مراکز رشدیابنده صنعتی و ساخت مناسب شهری توجه دارد (اجاللی، ۱۳۷۱).

براساس نظریه ناپیوستگی میردال^۲، برای تأمین عدالت اجتماعی و یکپارچگی فضایی در اقتصاد ملی باید از اثرات انتشار تدریجی رشد استفاده کرد. وی تقویت شهرهای متوسط یا کوچکتری که قابلیت پذیرش نقش القای توسعه به حوزه پیرامونی خود دارند را تعادل‌بخش می‌داند.

هیلهورست^۳ (۱۳۷۰) براساس نظریه توسعه فضایی معتقد است یک منطقه حاشیه‌ای تا زمانی که مورد علاقه مرکز واقع نشود، همچنان توسعه‌نیافته باقی می‌ماند. وی برای از بین بردن دوگانگی درون منطقه‌ای، میان منطقه‌ای و بخشی، متناسب با شرایط سلسله‌مراتبی و برخورداری سکونتگاه‌ها، چهار استراتژی متفاوت را مطرح کرده که در استراتژی‌های انسجام پراکنده و گسترش متمرکز، مستقیماً تقویت مراکز درجه دو در اطراف مرکز منطقه و مراکز درجه سه در اطراف مرز منطقه را راه‌حل مسائل و مشکلات می‌داند.

داگلاس^۴ بر مبنای الگوی شبکه منطقه‌ای^۵ معتقد است سرمایه‌گذاری هم‌زمان در فضای شهری و روستایی، به دلیل پیوندهای متقابل می‌تواند به شکوفا شدن پتانسیل‌های رشد اقتصادی شهر و پیرامون کمک کند (تقی‌زاده، ۱۳۸۳).

طرفداران نظریه نقش توسعه‌ای شهرهای کوچک، و نیز ایده توسعه یکپارچه معتقدند با فراهم آوردن زمینه رشد و توسعه این شهرها در چارچوب کل نظام شبکه شهری، به ویژه از حیث جمعیتی می‌توانند در کاهش عدم تعادل‌ها، جذب سرریزهای جمعیتی شهرهای بزرگ و متوسط و جهت‌دهی مثبت به تحرکات جمعیت روستایی، سهم و جایگاهی را به خود اختصاص دهند و سیستم سکونتگاهی کشور را متوازن کنند (فنی، ۱۳۸۲). همچنین پیر ژرژ^۶ (۱۹۶۱)، نقش و کارکرد شهری را با تکیه بر اهرم سیستم‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر شهرها، ارزیابی و در مقیاس کشوری، نقش شهرها را در پنج گروه به شرح زیر، رده‌بندی کرد: در کشورهای کم رشد، شهرها مرکز روابط بازرگانی و بازارهای محلی هستند. در کشورهای ماوراءبحار، شهرها جلوه‌گاه اقتصاد استعماری، مرکز امور اداری، بازرگانی و انبار و توزیع کالا هستند. در برخی از کشورهای با

3- Hilhorest

4- Douglass

5- The Pattern Of Regional Networks

6- Pierre Georges

1- Friedman

2- Myrdal

از روش کتابخانه‌ای براساس نتایج تفصیلی سرشماری‌ها، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، در تحلیل فضایی از نرم افزار GIS، از تجزیه و تحلیل کمی، کیفی و فضایی، در تحلیل اقتصادی، از مدل اجرایی شابو و گارنیه و در ترسیم نمودارها، از Excel استفاده شده است. همچنین تحولات جمعیتی و نظام شهری غرب کلان منطقه زاگرس (۷۵ شهر) را در قالب چهار طبقه شهری: بزرگ، میانی، کوچک و روستا- شهر در دوره ۳۵ ساله (۱۳۹۰-۱۳۵۵) بررسی کرده و با تأکید بر نقش شهرهای کوچک، اثرات این تحولات بر توازن یا ناموزونی نظام شهری و اقتصاد شهری منطقه را مطالعه کرده است.

موقعیت جغرافیایی (محدوده مکانی تحقیق)

منطقه مطالعاتی، شامل بخش غربی کلان منطقه زاگرس است که از شمال، استان‌های کردستان، کرمانشاه و ایلام را دربر دارد (نقشه ۱). همچنین از شمال با استان‌های آذربایجان غربی و بخشی از زنجان، از شرق با استان‌های زنجان، همدان، لرستان و بخشی از خوزستان و از جنوب با استان خوزستان، هم‌مرز است. از سمت غرب نیز بالغ بر ۹۰۰ کیلومتر، کاملاً با کشور عراق مرز مشترک دارد (بختیاری، ۱۳۷۸).

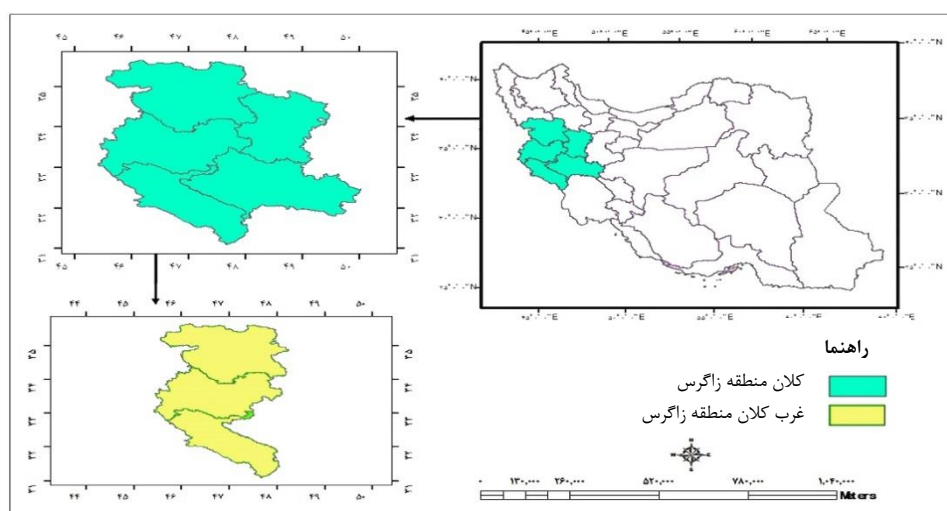
اقتصاد سرمایه‌داری، نقش اداری و بازرگانی شهرها ممتاز می‌باشد و نقش صنعتی، تابع آنهاست.

در بررسی‌های کلاسیک در قلمرو شناخت کار و نقش شهرها نیز روش اجرایی گارنیه و شابو^۱، به ترکیب مشاغل شهری در بطن عناوین زیر می‌نگرد:

گروه اول مشاغل اجتماعی: کشاورزی (جنگلبانی، صید ماهی و استخراج معدن)، گروه دوم مشاغل اجتماعی: صنعت (صنایع و ساختمان) و گروه سوم مشاغل اجتماعی: نیروی انسانی جذب شده در بازرگانی، خدمات و کلیه مشاغلی که در دو گروه اول نمی‌گنجند. همچنین علاوه بر نیروهای سه گانه فوق، وظایف چندنقشی، بازرگانی، خدماتی شدید و صنعتی ناب را نیز در نظر دارد و برای تعیین نقش شهرها، به وسیله یک دیاگرام، روند تغییرات نقش شهرها و گرایش شهر به سوی نقشی خاص را نیز نمایش می‌دهد. با کمک این روش می‌توان تأثیر برنامه‌های توسعه و عمران را در اقتصاد شهرها و نواحی ارزیابی کرد (فرید، ۱۳۹۰).

۴- روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری اطلاعات،



نقشه ۱- موقعیت جغرافیایی غرب کلان منطقه زاگرس

منبع: (سازمان نقشه برداری کشور، فایل نقشه ماهواره‌ای یکپارچه کشور ایران در فرمت GIS، ۱۳۹۴)

۵- یافته‌های تحقیق

برای درک بهتر مسئله تحقیق، یافته‌ها در سه بخش روند بارگذاری و تحولات جمعیتی، تغییرات ضریب شهرنشینی و ساختارشناسی نظام اشتغال و فعالیت شهری منطقه، ارائه شده‌اند.

براساس سرشماری سال ۱۳۹۰، غرب کلان‌منطقه زاگرس دارای ۷۵ شهر با بیش از ۲/۷

میلیون نفر جمعیت شهرنشین می‌باشد که از این میزان دو شهر با ۴۵/۴ درصد در طبقه شهری بزرگ، پنج شهر با ۲۲/۳ درصد در طبقه میانی، ۳۰ شهر با ۲۹ درصد در طبقه شهری کوچک و ۳۸ شهر با ۳/۲ درصد در طبقه روستا- شهرهای کمتر از پنج هزار نفر قرار دارد. این منطقه، ۵ درصد جمعیت شهری کشور را به خود اختصاص داده است (جدول ۱).

جدول ۱- روند بارگذاری و تغییرات جمعیتی طبقات شهری غرب کلان منطقه زاگرس در سال‌های ۹۰-۱۳۵۵

سال	طبقه شهری معیار جمعیتی / نفر	بزرگ ۱۰۰۰۰۰ - ۲۵۰۰۰۱	میانی ۲۵۰۰۰ - ۷۵۰۰۱	کوچک ۷۵۰۰۰ - ۵۰۰۰	روستا- شهر کمتر از ۵۰۰۰	جمع
۱۳۵۵	تعداد	۱	۱	۱۹	۵	۲۶
	درصد	۳/۸۴	۳/۸۴	۷۳/۰۷	۱۹/۲۳	۱۰۰
	جمعیت	۲۹۷۳۱۵	۹۵۸۷۲	۳۰۸۷۴۴	۱۵۳۵۳	۷۱۷۲۸۴
	درصد	۴۱/۴۵	۱۳/۳۶	۴۳/۰۴	۲/۱۴	۱۰۰
۱۳۶۵	تعداد	۱	۳	۲۰	۱۳	۳۷
	درصد	۲/۷	۸/۱	۵۴/۰۵	۳۵/۱۳	۱۰۰
	جمعیت	۵۶۰۵۱۴	۳۷۴۹۲۳	۴۹۳۱۳۱	۱۹۰۱۴	۱۴۴۷۵۸۲
	درصد	۳۸/۷۲	۲۵/۹	۳۴/۰۶	۱/۳۱	۱۰۰
۱۳۷۰	رشد	۶/۵۴	۹/۵۷	۹/۰۳	۲/۴۸	۷/۲
	تعداد	۱	۴	۲۸	۶	۳۹
	درصد	۲/۵۶	۱۰/۲۵	۷۱/۸	۱۵/۳۸	۱۰۰
	جمعیت	۶۲۴۰۸۴	۵۳۶۶۱۸	۵۸۹۴۹۲	۱۲۵۰۸	۱۷۶۲۷۰۲
۱۳۷۵	درصد	۳۵/۴	۳۰/۴۴	۳۳/۴۴	۰/۷	۱۰۰
	رشد	۲/۱۷	۳/۵۳	۴/۵۱	۳/۳۲	۴
	تعداد	۲	۳	۲۹	۱۳	۴۷
	درصد	۴/۲۵	۶/۳۸	۶۱/۷	۲۷/۶۶	۱۰۰
۱۳۸۵	جمعیت	۹۷۰۹۶۵	۳۲۳۳۵۴	۷۴۳۱۹۴	۳۲۹۷۱	۲۰۷۰۴۸۴
	درصد	۴۶/۸۹	۱۵/۶۱	۳۵/۸۹	۱/۵۹	۱۰۰
	رشد	۲/۳۸	۱/۹۴	۵/۵۹	۶/۳	۳/۷۵
	تعداد	۲	۴	۳۰	۳۳	۶۹
۱۳۹۰	درصد	۲/۸۹	۵/۸	۴۳/۴۷	۴۷/۸۲	۱۰۰
	جمعیت	۱۱۱۱۷۲۵	۴۷۶۵۸۳	۷۸۵۰۳۵	۷۰۶۷۳	۲۴۴۴۰۱۶
	درصد	۴۵/۴۸	۱۹/۵	۳۲/۱۲	۲/۸۹	۱۰۰
	رشد	۱/۳۴	۲/۳۰	۱/۸۶	۳/۵۴	۱/۶۷
۱۳۹۰ - ۱۳۵۵	تعداد	۲	۵	۳۰	۳۸	۷۵
	درصد	۲/۶۶	۶/۶۶	۴۰	۵۰/۶۶	۱۰۰
	جمعیت	۱۲۲۵۳۹۲	۶۰۲۳۰۴	۷۸۲۹۲۶	۸۷۲۴۲	۲۶۹۷۸۶۴
	درصد	۴۵/۴۲	۲۲/۳۲	۲۹	۳/۲۳	۱۰۰
پیش‌بینی ۱۴۰۰	رشد	۲/۳۷	۲/۱۵	۲/۱۸	۳/۵۱	۱/۹۹
	میانگین رشد	۲/۹۶	۳/۹	۴/۶۳	۳/۸۳	۳/۶۴
	جمعیت	۱۶۴۰۴۴۰	۸۸۸۱۳۴	۱۲۳۱۰۷۰	۱۲۷۰۴۴	۳۸۸۶۶۸۸
	درصد	۴۲/۲	۲۲/۸۵	۳۱/۶۷	۳/۲۷	۱۰۰

منبع: (سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰-۱۳۵۵)

روند بارگذاری و تغییرات جمعیتی شهرهای غرب کلان منطقه زاگرس مطابق با جدول ۱ به شرح ذیل می باشد:

در سال ۱۳۵۵، غرب کلان منطقه زاگرس، دارای ۲۶ شهر بوده که در مجموع، ۷۱۷۲۰۰ نفر جمعیت را در خود جای داده است. از این تعداد تنها شهر بزرگ منطقه؛ یعنی کرمانشاه به تنهایی ۴۱/۴۵ درصد جمعیت شهری را در خود جای داده است. در این سال، تنها شهر میانی؛ یعنی سنندج با ۱۳/۳ درصد جمعیت منطقه وجود داشته است که اختلاف زیادی با شهر اول آن دارد. شهرهای کوچک با ۷۳ درصد، ۴۳ درصد جمعیت شهری منطقه را به خود اختصاص داده اند.

اگرچه تعداد شهرهای کوچک در مقایسه با شهرهای بزرگ و میانی، بیشتر است اما سهم جمعیتی آنها تقریباً به اندازه تنها شهر بزرگ منطقه می باشد. روستا - شهرها نیز فقط ۲/۱ درصد جمعیت را دارا بوده اند. به طور کلی، سهم جمعیتی و تعداد شهرها در طبقات مختلف شهری، بسیار نامتعادل بوده است.

در سال ۱۳۶۵ تعداد شهرها به ۳۷ شهر و جمعیت نیز با رشد ۷/۲ درصدی به ۱/۴۴۷ میلیون؛ یعنی دو برابر دهه قبل افزایش یافت و شهر کرمانشاه با رشد ۶/۵ درصدی و ۳۸/۷۲ درصد جمعیت، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. تعداد شهرهای میانی در این سال به سه شهر افزایش یافت که شامل شهرهای مراکز استان؛ یعنی سنندج، ایلام و شهر مرکز شهرستان سقز می باشند که ۲۵/۹ درصد جمعیت شهری را دارا بوده اند. رشد جمعیت شهرهای میانی، بالاترین میزان؛ یعنی ۹/۵۷ درصد بوده که از رشد کشوری، غرب کلان منطقه و استان های کرمانشاه، کردستان و ایلام، به ترتیب بین ۷ تا ۰/۳ درصد بیشتر و ۲/۸ درصد کمتر بوده است؛ دلیل این کمبود نسبت به ایلام، شکل گیری استخوان بندی اصلی نظام شهری آن در این دهه با تبدیل ۹ نقطه روستایی به شهر توسط دولت می باشد. شهرهای کوچک به ۲۰ شهر افزایش یافتند؛ اما سهم جمعیتی آنها با کاهش ۹ درصدی، به ۳۴ درصد کاهش یافت. تعداد

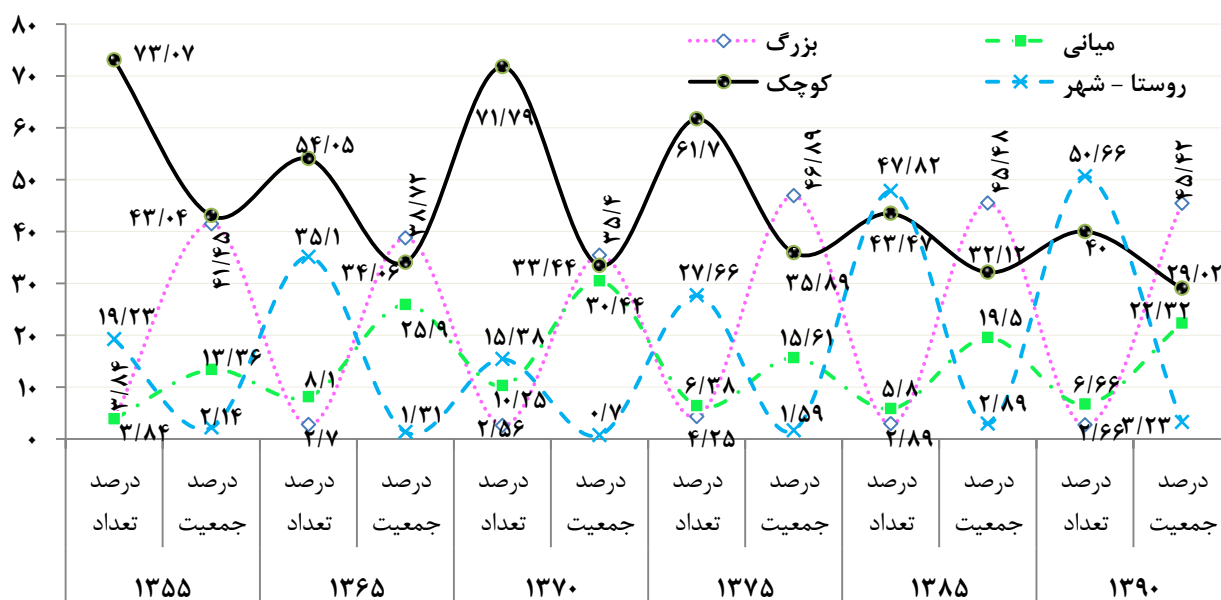
روستا- شهرها به ۲۱/۶ درصد افزایش یافت اما سهم جمعیتی آنها با رشد ۲/۴ درصدی، به ۱/۳۱ درصد (ناچیزترین سهم جمعیتی)، تنزل کرد. به طور کلی، بررسی روند تغییرات رشد جمعیت، حاکی از بالا بودن رشد شهرهای میانی، کوچک و بزرگ و ناچیز بودن رشد روستا- شهرها می باشد که از بنیه اقتصادی و خدماتی و نیز جمعیت پذیری ضعیفی برخوردارند (جداول و نمودارهای ۱، ۲).

در سال ۱۳۷۰ جابه جایی هایی در بین رده ها و طبقات شهری رخ داد. تعداد شهرها به ۳۹ شهر افزایش یافت که شهرهای کوچک با ۷۱/۸ درصد، بالاترین سهم و در مرتبه بعد، روستا- شهرها با ۱۵/۳۸ درصد قرار گرفتند. شهرهای میانی نیز به ۴ شهر افزایش یافتند. در این سال، رشد جمعیت شهر کرمانشاه با ۴/۳ درصد کاهش نسبت به دوره قبل، به ۲/۱ درصد و سهم جمعیتی آن به ۳۵/۴ درصد کاهش یافت، اما به تنهایی با ۳۵/۴ درصد جمعیت شهری منطقه، بیشترین سهم را در خود جای داده است؛ در حالی که شهرهای کوچک با ۷۱/۸ درصد و نرخ رشد ۴/۵ درصدی جمعیت، تنها ۳۳/۴۴ درصد؛ یعنی کمتر از نخست شهر کرمانشاه جمعیت دارند. سهم تعداد و جمعیت شهرهای میانی با سیر صعودی به ۳۰/۴۴ درصد رسید و آهنگ رشد منظمی را نمایش می دهد. تعداد روستا- شهرها، ۱۵/۳۸ درصد بوده و با رشد ۳/۳۲ درصدی جمعیت، سهمشان به ۰/۷ درصد تنزل کرد. بررسی تغییرات رشد جمعیت طبقات شهری منطقه در سال ۱۳۷۰ نشان می دهد رشد شتابان سال ۱۳۶۵، به تدریج با سیر نزولی، به طور محسوسی به کمتر از نصف کاهش یافته است.

در سرشماری سال ۱۳۷۵، تعداد شهرها به ۴۷ شهر افزایش یافت و با ارتقای شهر ۲۷۷/۸ هزار نفری سنندج به طبقه شهری بزرگ، برای اولین بار تعداد شهرهای بزرگ به دو شهر در حدود ۴۷ درصد جمعیت؛ یعنی بالاترین میزان جمعیت این طبقه در کل ادوار سرشماری و بالاترین سهم جمعیتی کل طبقات، افزایش

یافت. رشد جمعیت این طبقه نیز ۲/۳۸ درصد بوده که افزایش ناچیزی را نشان می‌دهد. تعداد شهرهای میانی به ۳ شهر و جمعیت آنها به ۱۵/۶ درصد؛ یعنی نصف دوره قبل کاهش یافت. تعداد شهرهای کوچک با ۶۱/۷ درصد، نسبت به دوره قبل حدود ۱۰ درصد کاهش سهم داشته که عمدتاً مربوط به افزایش تقریباً دو برابری تعداد روستا- شهرها، در نتیجه تبدیل روستا به شهر بوده است. جمعیت این شهرها به ۳۵/۸۹ درصد افزایش یافت که هم از لحاظ سهم و هم از لحاظ نرخ رشد (۵/۵ درصد)، سیر صعودی داشته است. تعداد روستا- شهرها نیز در نتیجه تبدیل رسمی تعداد ۷ روستا از سوی دولت به شهر، به ۱۳ مورد (۲۷/۶۶ درصد) افزایش یافت و

علی‌رغم رشد ۶/۳ درصدی، سهم ناچیز ۱/۶ درصدی جمعیت را داشته و شکاف عظیمی با سایر طبقات شهری به ویژه شهرهای بزرگ و میانی دارند. بررسی تغییرات رشد جمعیتی طبقات شهری در این دوره نشان می‌دهد روستا- شهرها، شهرهای کوچک، بزرگ و میانی به ترتیب با ۶/۳، ۵/۵، ۲/۳، ۱/۹ درصد، بیشترین تا کمترین رشد را تجربه کرده‌اند. رشد جمعیت شهری منطقه نسبت به دوره قبل، ۳/۷ درصد و میانگین رشد جمعیت طبقات شهری معادل ۴ درصد بوده است. اگرچه رشد جمعیت کشور نسبت به دهه قبل اندکی سیر صعودی داشته، اما این منطقه اندکی سیر نزولی را طی کرده که به تفکیک استان‌ها نیز مشهود است.

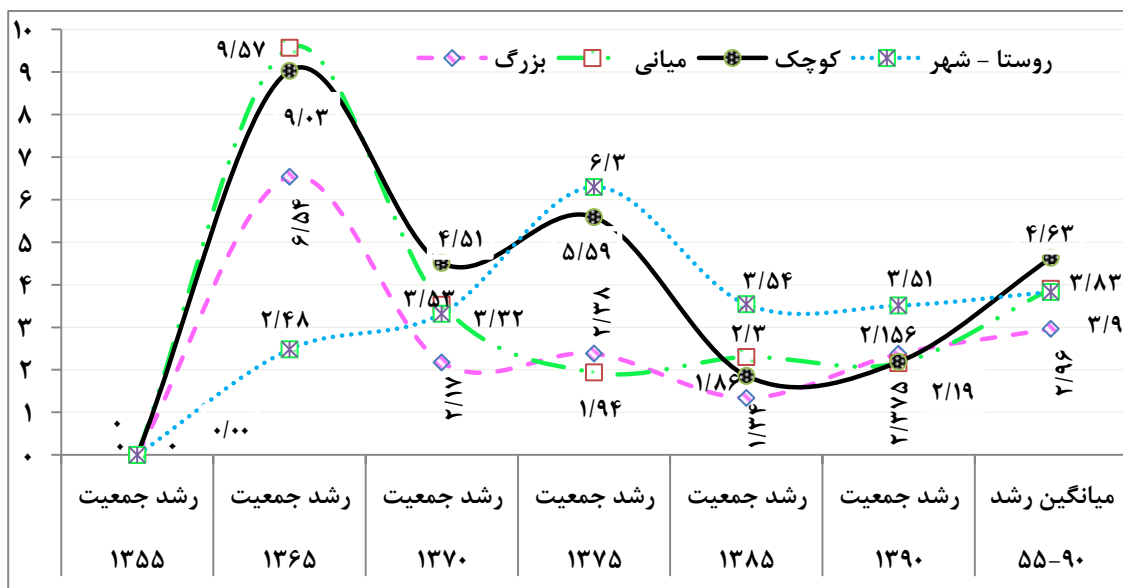


نمودار ۱- تغییرات سهم تعداد و جمعیت طبقات شهری غرب کلان منطقه زاگرس بر حسب درصد در سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۰
منبع: (مرکز آمار ایران، ۹۰-۱۳۵۵)

جدول ۲- تغییرات مقایسه‌ای رشد جمعیت شهری کشور، منطقه و استان‌های منطقه مطالعاتی در سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۹۰

میزان رشد جمعیت - درصد						منطقه / سال
۱۳۶۵-۱۳۹۰	۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۷۰	۱۳۶۵	
۲/۱۲	۱/۲۹	۱/۶۱	۱/۹۶	۱/۵	۲/۵	کشور
۳/۷۲	۱/۹۹	۱/۶۷	۳/۷۵	۴	۷/۲	غرب کلان منطقه زاگرس
۲/۸۸	۱/۵۱	۱/۲۹	۲/۸۲	۳/۱۹	۵/۶	کرمانشاه
۴/۴۷	۲/۸۶	۱/۹۴	۳/۸۲	۴/۵۱	۹/۲۴	کردستان
۵/۳۵	۱/۵	۲/۴۶	۳/۷۳	۶/۶۵	۱۲/۴۱	ایلام

منبع: (مرکز آمار ایران، ۹۰-۱۳۶۵)



نمودار ۲- تغییرات رشد جمعیتی طبقات شهری غرب کلان منطقه زاگرس در سال های ۱۳۵۵-۱۳۹۰
منبع: (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰-۱۳۵۵)

در سال ۱۳۹۰ به عنوان آخرین دوره سرشماری، تعداد شهرها به ۷۵ شهر تقریباً با ۲/۶۹۸ میلیون نفر در طبقات مختلف، افزایش یافت. از این تعداد، روستا- شهرها با ۵۰/۶۶ درصد شهرها، تنها ۳/۲۳ درصد جمعیت، شهرهای کوچک با ۴۰ درصد شهرها، ۲۹ درصد جمعیت، شهرهای میانی با ۶/۶۶ درصد شهرها، ۲۲/۳ درصد جمعیت و در نهایت شهرهای بزرگ با حفظ ثبات تعداد، ۲ شهر و به تنهایی ۴۵/۴۸ درصد جمعیت شهری منطقه را به خود اختصاص دادند. رشد جمعیت شهری منطقه با نرخ ۱/۹۹ درصدی، روند صعودی داشته و میانگین رشد طبقات شهری با اندکی افزایش، به ۲/۵۵ درصد رسید.

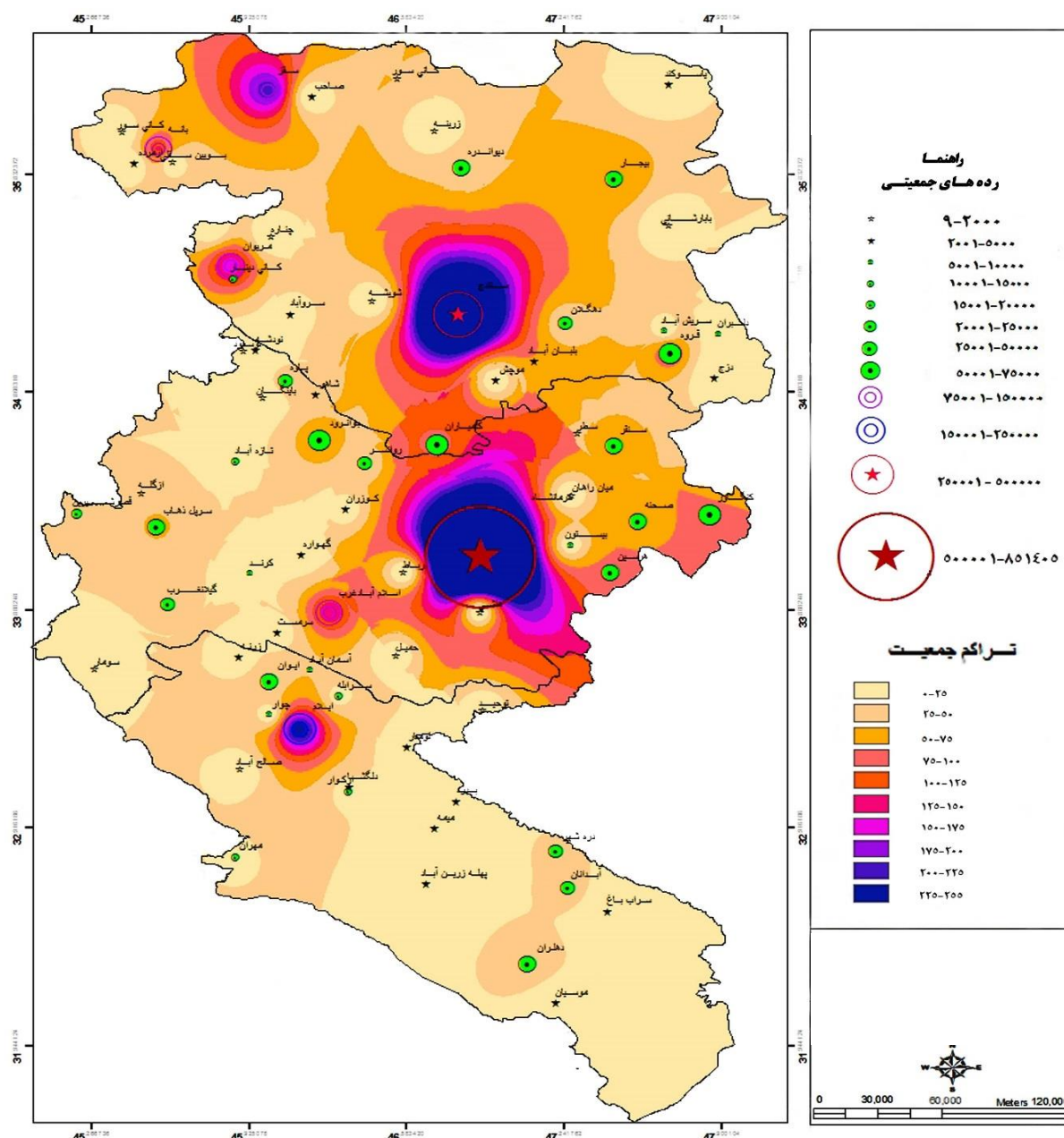
مقایسه رشد جمعیت شهری کشور، منطقه و استان ها، نشان می دهد که این میزان در منطقه، با ۱/۹۹ درصد، از رشد کشوری (۱/۲۹ درصد) بیشتر می باشد. روند رشد جمعیت شهری کردستان که همواره در کل ادوار سرشماری سیر نزولی داشته، با افزایش ۰/۹۲ درصدی نسبت به دوره قبل، بالاترین میزان رشد؛ یعنی ۲/۸۶ درصد را تجربه کرده که ۱/۵۷ درصد از رشد کشوری نیز بیشتر است. البته این اتفاق علاوه بر رشد طبیعی یا مهاجرت پذیری، معمولاً به دلیل افزایش شهرهای

در سال ۱۳۸۵، رشد جمعیت شهری منطقه ۱/۶ درصد کاهش و جمعیت آن، ۲/۴۴۴ میلیون نفر افزایش داشته که باز هم شهرهای بزرگ با ۴۵/۴۸ درصد، بیشترین سهم را داشته اند. در مقابل روستا- شهرها با ۴۷/۸۲ درصد شهرها تنها ۲/۸ درصد جمعیت، شهرهای کوچک با ۴۳/۴۷ درصد، ۳۲ درصد جمعیت و شهرهای میانی با ۵/۸ درصد، ۱۹/۵ درصد جمعیت شهری منطقه را دارا بوده اند. ۲۲ شهر نو تأسیس در این دوره، به نظام شهری منطقه افزوده شد که ۹۱ درصد آنها را روستا- شهرها به خود اختصاص داده اند، همچنین شهر کوچک مریوان به طبقه میانی و دو روستای بالای پنج هزار نفر، به شهرهای کوچک پیوستند.

بررسی مقایسه ای تغییرات رشد جمعیت شهری کشور، منطقه و استان ها نشان می دهد این شاخص در همه سطوح نسبت به دهه قبل، تنزل داشته است. رشد جمعیت در طبقات شهری نیز به جز شهرهای میانی که از ۱/۹ درصد به ۲/۳ درصد افزایش یافته، در دیگر طبقات تنزل کرده؛ چنان که رشد کلی جمعیت نسبت به دهه قبل از ۳/۷ درصد به ۱/۶ درصد و میانگین رشد طبقات از ۴ درصد به ۲/۲ درصد؛ یعنی نصف، کاهش یافته است.

محدودی از منطقه به‌ویژه در نواحی مرکزی را در مقابل تفرق‌ها و پراکندگی‌های جمعیتی بسیار وسیع‌تری از منطقه به ظهور رسانیده که در نتیجه آن، نظام شهری، از تعادل خارج شده و ناهمگونی شبکه شهری بر عرصه منطقه، سایه افکنده است (نقشه ۲).

آن، در نتیجه تبدیل دو روستای کانی‌دینار و بلبان آباد با مجموع ۱۴/۶ هزار نفر به شهر می‌باشد. به‌طور کلی، با وجود این‌که استقرار و توزیع جغرافیایی- فضایی شهرها در منطقه تقریباً متعادل و متوازن صورت گرفته، اما تحولات شهرنشینی یاد شده، تمرکزها و تراکم‌های شدید جمعیتی در بخش‌های



نقشه ۲- تراکم جمعیت شهری غرب کلان منطقه زاگرس برحسب نفر در هر کیلومترمربع در سال ۱۳۹۰

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول ۳- تغییرات ضریب شهرنشینی کشور، غرب کلان منطقه زاگرس و استان های منطقه در سال های ۱۳۵۵-۱۳۹۰

ضریب شهرنشینی						متغیر
۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۷۰	۱۳۶۵	۱۳۵۵	منطقه / سال
۷۱/۴	۶۸/۵	۶۱/۳	۵۷/۱	۵۴/۳	۴۷/۰۳	کشور
۶۷/۵۸	۶۳/۹	۵۷/۴۷	۵۳/۷۵	۴۹/۰۵	۳۷/۸۳	غرب کلان منطقه زاگرس
۶۹/۷۸	۶۸/۲۲	۶۲/۱۳	۵۹/۴۳	۵۶/۱۷	۴۶/۰۸	کرمانشاه
۶۶	۵۹/۴۲	۵۲/۴۱	۴۷/۵	۴۱/۹۱	۳۱/۳	کردستان
۶۴/۶	۶۱/۱۲	۵۴/۴	۵۰/۲۳	۴۲/۴۸	۱۹/۷۵	ایلام

منبع: (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰-۱۳۵۵)

کردستان و ایلام، به ۵۲/۴ درصد و ۵۴/۴ درصد افزایش یافته است.

در سال ۱۳۸۵ ضریب شهرنشینی منطقه به ۶۳/۹ درصد رسید که ۴/۶ درصد از ضریب کشوری کمتر است. این ضریب در استان های کرمانشاه، ایلام و کردستان، به ترتیب ۶۸/۲، ۶۱/۱ و ۵۹/۴ درصد بوده که کرمانشاه از بالاترین ضریب برخوردار است؛ اما کردستان با ۷ درصد افزایش، بالاترین رشد را داشته است.

در سال ۱۳۹۰، ضریب شهرنشینی منطقه با افزایش ۳/۶۸ درصدی، به ۶۷/۵۸ درصد افزایش یافت که از ضریب کشوری (۷۱/۴ درصد)، به میزان ۳/۸۲ درصد کمتر است. استان ایلام با ۶۴/۶ درصد، کمترین و کرمانشاه با ۶۹/۷۸ درصد، بالاترین ضریب شهرنشینی منطقه را به خود اختصاص داده است ولی بیشترین رشد ضریب شهرنشینی مربوط به کردستان بوده که به ۶۶ درصد رسیده است.

به طور کلی ضریب شهرنشینی منطقه، طی ۳۵ سال مورد بررسی، از ۳۷/۸۳ درصد در سال ۱۳۵۵، به ۶۷/۵۸ درصد در سال ۱۳۹۰ (معادل ۱/۸ برابر)، افزایش یافته است (جدول ۳).

ساختارشناسی نظام اشتغال و فعالیت شهرهای غرب کلان منطقه زاگرس مطابق با جدول ۴، به شرح ذیل می باشد:

در سال ۱۳۷۵، بالغ بر ۴۳۱ هزار نفر از جمعیت شهری منطقه در گروه های عمده اقتصادی اشتغال داشته اند که ۴/۸ درصد در بخش کشاورزی، ۲۹ درصد

بررسی تغییرات ضریب شهرنشینی غرب کلان منطقه زاگرس با توجه به جدول ۳، به شرح ذیل می باشد:

در سال ۱۳۵۵ ضریب شهرنشینی منطقه، ۳۷/۸۳ درصد بوده که از ضریب کشوری حدود ۱۰ درصد کمتر است. این ضریب در استان های کرمانشاه، کردستان و ایلام، به ترتیب ۴۶/۰۸، ۳۱/۳ و ۱۹/۷۵ درصد بوده است. در سال ۱۳۶۵ رشد ضریب شهرنشینی منطقه و استان ها، از رشد ضریب کشوری به طور قابل توجهی بالاتر بوده که حاکی از نقش آفرینی بیشتر دولت به عنوان برادر اصلی توسعه شهری کشور در این منطقه می باشد.

ضریب شهرنشینی منطقه در سال ۱۳۷۰ نیز با افزایش ۴/۷ درصدی، به ۵۳/۷۵ درصد رسید که نسبت به مشابه کشوری، رشد بالاتری داشته است. نقطه عطف این دوره، عبور جمعیت شهرنشین منطقه از مرز ۵۰ درصد است؛ این در حالی است که این نقطه عطف در کشور در سال ۱۳۶۵ و در استان کردستان که روند شهرنشینی نسبتاً کندتری را تا این زمان داشته، در سال ۱۳۷۵ اتفاق افتاده است. در مقیاس استانی، شهرنشینی کرمانشاه در سال ۱۳۶۵ و ایلام در سال ۱۳۷۰، از مرز ۵۰ درصد گذشتند.

ضریب شهرنشینی منطقه در سال ۱۳۷۵ به ۵۷/۴۷ درصد رسید که از ضریب کشوری، ۳/۸ درصد کمتر است. در مقیاس استانی فقط کرمانشاه که نخست شهر منطقه در آن واقع شده با ۶۲/۱۳ درصد، از ضریب کشوری بیشتر بوده و این برتری از سال ۱۳۶۵ نیز وجود داشته است. این ضریب در استان های

در بخش صنعت و ۶۶/۲ درصد در بخش خدمات بوده‌اند. در سال ۱۳۸۵، تعداد شاغلان به ۵۹۵/۹ هزار نفر رسید اما تغییرات قابل ملاحظه‌ای در سهم شاغلان رخ نداد و فقط به میزان ناچیزی اقتصاد منطقه، به سمت خدماتی‌تر شدن جابه‌جا شده است.

در سال ۱۳۹۰، تعداد فعالان اقتصادی منطقه به ۶۰۴/۳ هزار نفر رسید که از این میزان، ۱۰/۳ درصد در بخش کشاورزی، ۲۶/۳ درصد در بخش صنعت و ۶۳/۴ درصد در بخش خدمات، اشتغال داشته‌اند. در این سال به میزان ۵/۵ درصد نسبت به سرشماری‌های قبل، بر اهمیت نقش کشاورزی افزوده شد و سهم بخش‌های صنعت و خدمات، به ترتیب ۱/۹ درصد و ۳/۷ درصد، کاهش یافت و اگرچه فعالیت و اشتغال منطقه هنوز خدماتی است، اما به سمت بازرگانی محدود و چندنقشی حرکت کرده است.

در مجموع، بارگذاری بالایی از فعالیت و اشتغال شهرها در بخش خدمات صورت گرفته و نقش عمومی شهرها، خدماتی می‌باشد و با وجود این‌که در آخرین سرشماری؛ یعنی سال ۱۳۹۰، مقداری از اهمیت نقش خدماتی و حتی به مقدار کمتری، نقش صنعتی شهرها به نفع افزایش سهم و نقش بخش کشاورزی، کاسته شد و تغییر جهت نسبتاً محسوسی در فعالیت و اشتغال، از بخش خدمات به سمت بخش‌های بازرگانی، چندنقشی و تا حدودی کشاورزی اتفاق افتاد؛ اما آنچه که به شکل غالب بر فعالیت و اشتغال منطقه سایه افکنده، سهم بسیار بالای شاغلان بخش خدمات در تمام ادوار مورد بررسی بوده؛ به‌طوری‌که هیچ‌گاه از مرز ۶۳ درصد پایین‌تر نیامده و به نوعی، منجر به تضعیف نظام تولیدی در بخش‌های پایه‌ای کشاورزی و صنعت شده و پویایی و پایداری اقتصادی منطقه را تا حدودی آسیب‌پذیر کرده است (جدول ۴ و نقشه ۲).

جدول ۴- تغییرات سهم اشتغال طبقات شهری غرب کلان‌منطقه زاگرس در گروه‌های عمده فعالیت در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۷۵

طبقات شهری	۱۳۷۵						۱۳۸۵						۱۳۹۰					
	کشاورزی		صنعت		خدمات		کشاورزی		صنعت		خدمات		کشاورزی		صنعت		خدمات	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
بزرگ	۵۲۳۴	۲/۵	۵۸۹۸۸	۲۸/۲	۱۴۵۱۴۶	۶۹/۳	۶۱۱۰	۲/۲	۷۷۶۷	۲۸	۱۹۳۷۶۴	۶۹/۸	۷۵۹۸۹	۲۷/۷	۱۸۳۳۰	۶/۸۵	۱۸۳۳۰	۶/۸۵
جمع	۲۰۹۳۶۸						۲۷۷۶۴۱						۲۷۴۲۱۰					
درصد	۴۸						۴۶/۶						۴۵/۳۷					
۴۶/۶ درصد (میانگین کل اشتغال‌سازی شهرهای بزرگ ۹۰-۷۵)																		
میانی	۲۵۸۶	۳/۹	۲۰۹۹۸	۳۱/۷	۴۲۶۳۳	۶۴/۴	۳۳۴۹	۲/۹	۳۵۱۹۸	۳۰/۳	۷۷۵۶۱	۶۶/۸	۳۸۲۴۶	۲۸/۵	۸۶۰۵۸	۶۴/۲	۸۶۰۵۸	۶۴/۲
جمع	۶۶۲۱۷						۱۱۶۱۰۸						۱۳۴۰۱۴					
درصد	۱۵/۳۶						۱۹/۴۸						۲۲/۱۸					
۱۹ درصد (میانگین کل اشتغال‌سازی شهرهای میانی ۹۰-۷۵)																		
کوچک	۱۲۰۱۱	۸	۴۳۷۱۴	۲۹/۳	۹۳۵۰۹	۶۲/۷	۱۴۳۹۷	۷/۷	۵۱۲۲۰	۲۷/۷	۱۱۹۸۱۲	۶۴/۶	۲۹۴۸۱	۱۷	۴۰۵۵۴	۲۳	۱۰۴۲۸۴	۶۰
جمع	۱۴۹۲۳۴						۱۸۵۴۲۹						۱۷۴۳۱۹					
درصد	۳۴/۶۲						۱۳/۱۲						۲۸/۸۵					
۳۱ درصد (میانگین کل اشتغال‌سازی طبقه شهری کوچک ۹۰-۷۵)																		
روستا - شهر	۸۷۵	۱۴	۱۱۷۸	۱۹	۴۱۶۹	۶۷	۴۲۵۵	۲۵/۵	۳۷۶۶	۲۲/۵	۸۶۵۴	۵۲	۸۰۶۵	۳۷	۴۴۱۸	۲۰/۳	۹۲۷۹	۴۲/۷
جمع	۶۲۲۲						۱۶۶۷۵						۲۱۷۶۲					
درصد	۱/۴۵						۲/۸						۳/۶					
۲/۶ درصد (میانگین کل اشتغال‌سازی روستا - شهرها ۹۰-۷۵)																		
جمع کل طبقات	۲۰۷۰۶	۴/۸	۱۲۴۸۷۸	۲۹	۲۸۵۴۵۷	۶۶/۲	۲۸۱۱۱	۴/۷	۱۶۷۹۵۱	۲۸/۲	۳۹۹۷۹۱	۶۷/۱	۶۲۱۵۷	۱۰/۳	۱۵۹۲۰۷	۲۶/۳	۳۸۲۹۶۱	۶۳/۴
	۴۳۱۰۴۱						۵۹۵۸۵۳						۶۰۴۳۰۵					

منبع: (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰-۱۳۷۵)

ساختار اشتغال و نقش اقتصادی طبقات شهری

در سال‌های ۷۵، ۸۵ و ۹۰، در میانگین دوره‌ها، شهرهای بزرگ ۴۶/۶ درصد، کوچک ۳۱ درصد، میانی ۱۹ درصد و روستا- شهرها ۲/۶ درصد، مجموع شاغلان بخش‌های سه‌گانه اقتصادی را در خود بارگذاری کرده‌اند. به عبارتی، شهرهای بزرگ که فقط ۲/۶ درصد شهرها را شامل می‌شوند، به تنهایی ۱۳ درصد بیشتر از مجموع شهرهای کوچک و روستا- شهرهای منطقه که ۹۰/۶ درصد شهرها را شامل می‌شوند، اشتغال‌سازی کرده‌اند یا مجموع شهرهای بزرگ و میانی که حدود ۹ درصد شهرها هستند، ۶۵/۶ درصد اشتغال منطقه را در خود بارگذاری کرده که ۳۲ درصد از سهم کل اشتغال شهرهای کوچک و روستا- شهرها نیز بیشتر است.

از نکات قابل توجه این که نظام فعالیت و اشتغال و به‌طور کلی نظام اقتصادی منطقه، از لحاظ توزیع و بارگذاری فعالیت در بین طبقات و رده‌های شهری، با تسلط شهر بزرگ کرمانشاه با برخی ناهماهنگی روبه‌رو می‌باشد. به عبارتی، شهرهای بزرگ و برتر نظام شهری و در مرتبه بعد شهرهای میانی، حداکثر امکانات، فعالیت‌ها و ظرفیت‌های اشتغال با محوریت و تسلط بخش خدمات را به خود اختصاص داده‌اند. در مقابل، طبقات شهری کوچک و به‌خصوص روستا- شهرها علی‌رغم اختصاص سهم ۹۰/۶ درصدی شهرها، از حداقل ظرفیت‌ها و توان اشتغال‌سازی و امکانات برخوردارند؛ لذا در حوزه اقتصادی نیز روستا- شهرها و بخش عمده‌ای از شهرهای کوچک، با ناپایداری‌های اقتصادی مواجه هستند که در تعادل‌های جمعیتی، فضایی و اقتصادی، تأثیر منفی دارند (جدول ۴). در واقع بین عدم تعادل و ناموزونی در بارگذاری فعالیت و ظرفیت اشتغال‌سازی، با عدم تعادل در بارگذاری جمعیت و توزیع فضایی آن، رابطه مستقیمی وجود دارد و هر چه قدر شهرها بزرگ‌تر و با اهمیت‌تر باشند، از ظرفیت اشتغال‌سازی بیشتر و سطح خدماتی و تولیدی بالاتری نیز برخوردار هستند.

بررسی وضعیت فعالیت و اشتغال طبقات شهری به تفکیک بخش‌های سه‌گانه اقتصادی منطقه نیز نشان می‌دهد در بخش کشاورزی بین سال‌های ۷۵ تا ۹۰، شهرهای کوچک با ۵۲/۲ درصد، شهرهای بزرگ با ۲۳/۶ درصد، شهرهای میانی با ۱۳/۳ درصد و روستا- شهرها با ۱۰/۷ درصد، به ترتیب بیشترین و کمترین میانگین سهم اشتغال‌سازی بخش کشاورزی را دارا بوده‌اند.

در بخش صنعت و به‌طور میانگین ادوار سرشماری، شهرهای بزرگ با ۴۷ درصد، شهرهای کوچک با ۳۰/۳ درصد، شهرهای میانی با ۲۰/۶ درصد و روستا- شهرها با ۲ درصد، به ترتیب بیشترین تا کمترین فعالان این بخش مولد در بین طبقات شهری را در خود بارگذاری کرده‌اند؛ به‌طوری که در دو شهر بزرگ کرمانشاه و سنندج، به تنهایی به اندازه ۹۳ درصد شهرها شامل: تمام شهرهای کوچک، روستا- شهرها و نیز تعدادی از شهرهای میانی، ظرفیت‌سازی فعالیت و اشتغال در بخش صنعت به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل جاذبه و جمعیت‌پذیری، صورت گرفته و می‌توان یکی از عوامل ناپایداری یا رشد کند شهرنشینی و جمعیت‌پذیری شهرهای یاد شده را در عدم تعادل‌ها و ضعف یا کمبود زیرساخت‌های اشتغال به طور اعم و اشتغال صنعتی به طور اخص دانست که مهاجرت‌های مستقیم از شهرهای کوچک و روستا- شهرها به مراکز بزرگ شهری را نیز موجب شده است.

در این دوره شهرهای بزرگ، کوچک، میانی و روستا- شهرها، به ترتیب ۴۹ درصد، ۳۰ درصد، ۱۹ درصد و ۲ درصد، بیشترین تا کمترین سهم میانگین مجموع فعالان بخش خدمات منطقه در ادوار سرشماری را به خود اختصاص داده‌اند.

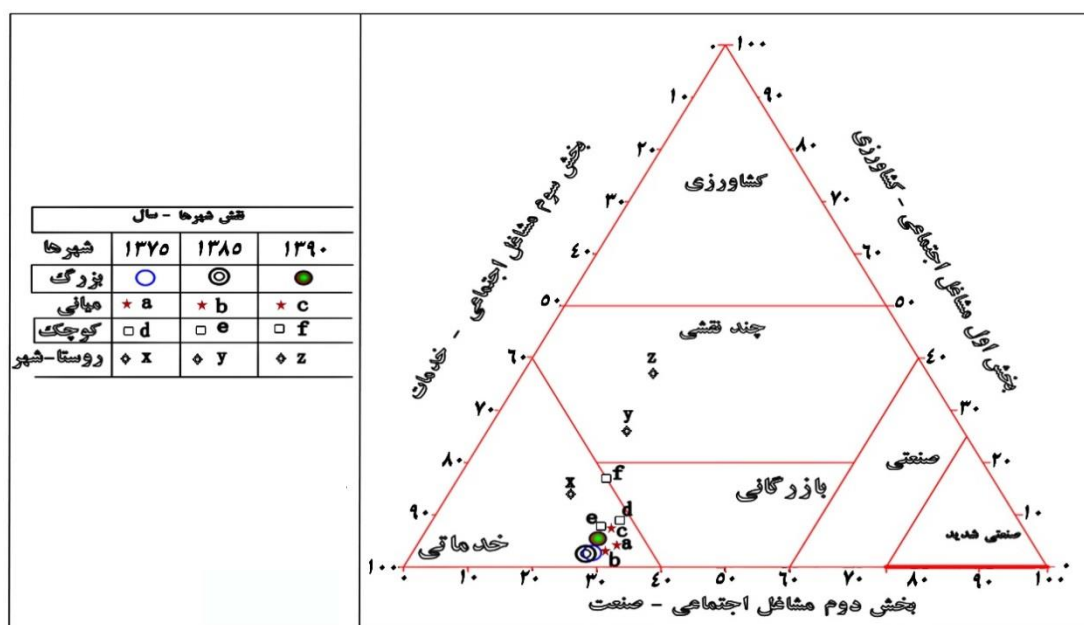
به‌طور کلی، اگرچه تغییرات و تعدیل‌هایی در روند اشتغال‌سازی و فعالیت منطقه در راستای تقویت شهرهای میانی و به مقدار خیلی ناچیز در روستا- شهرها صورت گرفته؛ اما آنچه مسأله‌ساز است، عدم تعادل و توزان در بارگذاری شاغلان بخش‌های اقتصادی در بین طبقات شهری است که حاکی از عدم توزیع مناسب و

متعادل زیرساخت‌ها و فرصت‌های اشتغال صنعتی - منطقه است (جدول ۵).
تولیدی و خدماتی و نیز تمرکزگرایی فعالیت و اشتغال در

جدول ۵- تغییرات مقایسه‌ای سهم اشتغال طبقات شهری به تفکیک بخش‌های سه‌گانه اقتصادی ۹۰-۱۳۷۵

طبقات شهری	۱۳۷۵			۱۳۸۵			۱۳۹۰			میانگین دوره‌ها		
	کشاورزی	صنعت	خدمات	کشاورزی	صنعت	خدمات	کشاورزی	صنعت	خدمات	کشاورزی	صنعت	خدمات
بزرگ	۲۵/۲۷	۴۷/۲۳	۵۰/۸۵	۲۱/۷۳	۴۶/۳	۴۸/۴۶	۲۴	۴۷/۷۵	۴۷/۸۷	۲۳/۶	۴۷	۴۹
میانی	۱۲/۵	۱۶/۸۲	۱۴/۹۴	۱۱/۹۲	۲۰/۹۵	۱۹/۵	۱۵/۶	۲۴	۲۲/۴۷	۱۳/۳۴	۲۰/۶	۱۹
کوچک	۵۸	۳۵	۳۲/۷۵	۵۱/۲۲	۳۰/۵	۲۹/۹۶	۴۷/۴	۲۵/۵	۲۷/۲۳	۵۲/۲	۳۰/۳	۳۰
روستا-شهر	۴/۲۲	۰/۹۵	۱/۴۶	۱۵/۱۳	۲/۲۵	۲/۱۶	۱۳	۲/۸	۲/۴۳	۱۰/۷۸	۲	۲
درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
جمع تعداد	۲۰۷۰۶	۱۲۴۸۷۸	۲۸۵۴۵۷	۲۸۱۱۱	۱۶۷۹۵۱	۳۹۹۷۹۱	۶۲۱۵۷	۱۵۹۲۰۷	۳۸۲۹۴۱	۳۶۹۹۱	۱۵۰۶۷۸	۳۵۶۰۶۳

منبع: (مرکز آمار ایران، ۹۰-۱۳۷۵)



شکل ۱- تغییرات نقش اقتصادی طبقات شهری غرب کلان منطقه زاگرس در سال‌های ۹۰-۱۳۷۵

منبع: (یافته‌های تحقیق)

نقش صنعت نیز بعد از خدمات نسبتاً پررنگ می‌باشد. اما در سال ۱۳۹۰ با کاهش سهم بخش‌های خدمات و صنعت، حدود دو برابر دوره‌های قبل بر اهمیت نقش کشاورزی افزوده شده؛ ولی تسلط شدید بخش خدمات در شهرهای بزرگ مشهود است (شکل ۱).

تعداد فعالان عمده شهرهای میانی در سال ۱۳۸۵، حدود دو برابر دهه قبل افزایش یافت و نقش خدماتی شهرها در سایه کاهش سهم بخش‌های کشاورزی و

بررسی تغییرات بخش‌های سه‌گانه اقتصادی در هر طبقه شهری در سال‌های ۷۵ تا ۹۰ نیز نشان می‌دهد از مجموع شاغلان طبقه شهری بزرگ، به‌طور میانگین ۳/۳ درصد در بخش کشاورزی، ۲۸ درصد در بخش صنعت و ۶۸/۶ درصد در بخش خدمات، فعالیت داشته‌اند. در این طبقه به واسطه شهر بزرگ کرمانشاه، نقش خدماتی در مقایسه با دیگر طبقات شهری، بیشترین و نقش کشاورزی کمترین میزان را به خود اختصاص داده و البته

آنجا که نقش اقتصادی آنها از خدماتی بالا در سال ۷۵، به چندنقشی با جهت گیری به سمت کشاورزی در سال ۹۰ تغییر یافته است. سهم بخش کشاورزی با رشد ۲/۶ برابری و افزایش ۲۳ درصدی نسبت به سال ۱۳۷۵، روند صعودی و سهم قابل توجهی را در مقایسه با دیگر طبقات به خود اختصاص داده و بر اهمیت آن افزوده شده است. همچنین در این شهرها به طور میانگین ادوار سرشماری، ۵۴/۵ درصد در کشاورزی، ۲۰/۶ درصد در صنعت و ۵۴ درصد در بخش خدمات، اشتغال داشته اند. در واقع تا حدودی نقش اقتصادی روستا- شهرها، نقطه مقابل نقش اقتصادی شهرهای بزرگ در بخش های سه گانه می باشد (جدول ۵ و شکل ۱).

۶- نتیجه گیری و پیشنهاد

غرب کلان منطقه زاگرس، نظام شهری ویژه ای دارد. به استثنا اندک شهرهای بزرگ و میانی (۹ درصد شهرها)، ۹۱ درصد نقاط شهری، شبکه ای متشکل از شهرهای کوچک و روستا- شهرها هستند که به گونه ای موزون در بستر جغرافیایی منطقه استقرار یافته اند. به علاوه، این شهرها دارای ظرفیت های بالقوه مناسبی برای ایجاد توازن و در نتیجه، برابری و توسعه منطقه ای در الگوی تمرکزگرای کنونی منطقه است. علی رغم استقرار متوازن، ظرفیت ها و اولویت های توسعه، تاکنون عملکرد چندانی در توسعه متوازن منطقه ای انجام نشده و روند تغییرات شاخص های جمعیت و اشتغال شهرهای کوچک نیز مؤید این نکته است. کم توجهی به نقش و جایگاه واقعی شهرهای کوچک، به استمرار روندهای تمرکزگرایی گذشته در سطوح بالای نظام شهری انجامیده و از این طریق سیاست توسعه منطقه ای با رویکرد شهرهای کوچک که عمده تاً حاصل تبدیل نقاط روستایی به شهر بوده است، بدون برقراری پیوند قوی میان اقتصاد شهری با اقتصاد منطقه ای، برای فعال کردن پتانسیل های بومی، نتوانسته الگوی چندان موفق و کارآمدی از توسعه و توازن منطقه ای به وجود آورد.

صنعت، شدیدتر شده است. اما در سال ۱۳۹۰ با افزایش ۴/۲ درصدی بخش کشاورزی، بر اهمیت این بخش افزوده شد. نقش شهرهای میانی در سال ۱۳۸۵ ابتدا به سمت خدماتی شدید و سپس در سال ۱۳۹۰ در جهت چندنقشی، تغییر عملکرد داده اند. به طور کلی، از مجموع شاغلان شهرهای میانی، به طور میانگین بخش کشاورزی ۴/۷ درصد، صنعت ۳۰ درصد و خدمات ۶۵ درصد را به خود اختصاص داده و نقش این شهرها خدماتی است.

شهرهای کوچک منطقه در سال ۱۳۷۵ نقش خدماتی داشته که در سال ۱۳۸۵ تشدید شده و از اهمیت دیگر بخش ها نیز کاسته شده است. در سال ۱۳۹۰ نسبت به قبل، ۱۰ درصد بر اهمیت نقش کشاورزی افزوده شده و نقش اقتصادی آنها، از خدماتی بالا در سال های ۷۵ و ۸۵ به مرز خدماتی- بازرگانی در این سال جابه جا شده است. از کل شاغلان بخش های سه گانه اقتصادی، شهرهای کوچک در سال های مورد بررسی، به طور میانگین ۱۱ درصد در بخش کشاورزی، ۲۶/۶ درصد در بخش صنعت و ۶۲/۴ درصد در بخش خدمات اشتغال داشته اند (جدول ۴ و شکل ۱).

همچنین در سال ۹۰ بالغ بر ۱۱ هزار نفر از فعالان اقتصادی، از شهرهای کوچک خارج شده اند که ناشی از تکمیل و سرریز ظرفیت اشتغال سازی شهرهای کوچک عمدتاً اداری- سیاسی منطقه بوده که متأثر از الزامات ساختاری نیرو محرکه اصلی توسعه این شهرها می باشد که همواره یک یا دو دهه پس از تبدیل این نقاط از روستا به شهر، ظرفیت اشتغال آنها مخصوصاً در بخش خدمات (عمده تاً اداری- تجاری) تکمیل شده و ناپایداری اقتصادی و سپس مهاجرت به شهرهای میانی و به ویژه بزرگ منطقه یا کلان شهرهای ملی، در پی کسب فرصت های بهتر اشتغال و درآمد را به دنبال دارد.

در سال ۹۰ در روستا- شهرها، ۳۷ درصد در بخش کشاورزی، ۲۰/۳ درصد در بخش صنعت و ۴۲/۷ درصد در بخش خدمات فعالیت داشته اند. سهم شاغلان خدمات در سال های مورد بررسی، ۲۴/۳ درصد کاهش یافته تا

۷- منابع

- اجلالی، پرویز. (۱۳۷۱). *تحلیل منطقه‌ای و سطح‌بندی سکونتگاه‌ها*، معاونت امور مناطق مجلس، دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران.
- ارجمندنی، اصغر. (۱۳۷۰). *نظام/اسکان جمعیت و نقش شهرهای میانی*، مجموعه مقالات سمینار جمعیت و توسعه، سازمان برنامه و بودجه.
- اردشیری، مهیار. (۱۳۷۰). *نقش شهرک‌های جدید در توازن منطقه‌ای*، دانشگاه شیراز، بخش شهرسازی.
- بختیاری، سعید. (۱۳۷۸). *اطلس کامل گیتاشناسی*، دوره دوم، چاپ سیزدهم، تهران: گیتاشناسی.
- تقی‌زاده، فاطمه. (۱۳۸۳). *نقش بازارهای محلی در پیوندهای روستایی- شهری با تأکید بر تعادل‌های منطقه‌ای*، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی.
- توفیق، فیروز. (۱۳۷۱). *طرح‌ریزی کالبدی در ایران و محورهای اصلی آن*، مجموعه مقالات طرح‌ریزی کالبدی ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- خداداد، مهدی؛ نخعی، مهدیه؛ امیدزاده، هانیه. (۱۳۹۳). *نقش شهرهای کوچک در برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای (مطالعه موردی: استان گلستان)*، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، ۶(۲۱)، ۷۷-۹۰.
- روستایی، شهرپور؛ باقری، محمد. (۱۳۸۹). *بررسی عملکرد شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای (مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان رزن)*، فصلنامه جغرافیایی چشم‌انداز زاگرس، ۲(۴)، ۲۱-۵.
- زبردست، اسفندیار. (۱۳۸۳). *اندازه شهر، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران*، تهران.
- سازمان نقشه‌برداری کشور، فایل نقشه ماهواره‌ای یکپارچه کشور ایران در فرمت GIS. (۱۳۹۴).
- ساعی ارسى، ایرج. (۱۳۸۹). *پرسمان‌های اقتصادی- اجتماعی جمعیت ایران: یک جستار نظری*، فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی، ۵(۲)، ۶۹-۹۷.
- شکویی، حسین. (۱۳۷۴). *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*، تهران: سمت.
- علی‌اکبری، اسماعیل. (۱۳۹۰). *ساختارشناسی بردارهای شهرنشینی در ایران*، تهران: مهکامه.
- راهکارهای زیر به‌عنوان اولویت‌های اقدام برای توسعه شهری- منطقه‌ای غرب کلان‌منطقه زاگرس براساس استراتژی شهرهای کوچک پیشنهاد می‌شوند:
- ماهیت و موجودیت شهرهای کوچک به‌عنوان کانون‌های اجتماعی سکونت، برای پاسخ به نیازهای متنوع گروه‌های انسانی در نظر گرفته شود و براساس این باور، سازماندهی گردد. برنامه‌ریزی شهرهای کوچک به‌عنوان مراکز اداری و سیاسی یا عناصر نظم‌صوری فضا، فرصت‌های رشد محدودی به شهرهای کوچک منتقل می‌کند. بنابراین، ایجاد و تقویت زیرساخت‌های خدماتی، رفاهی و عمومی شهرهای سطح دوم، سوم و چهارم که معمولاً شهرهای کوچک مراکز شهرستان‌های نوپا، بخش و دهستان هستند، یک اقدام و نیازی کلیدی برای ظرفیت‌سازی جمعیتی، رقابت‌پذیری توسعه و در نتیجه، تعدیل سلطه در نظام شبکه شهری به شمار می‌رود.
- ایجاد و تقویت زیرساخت‌های ارتباطی، تولیدی و اشتغال در بخش‌های صنعت و کشاورزی برای استفاده از ظرفیت‌های بالقوه مرزی و گمرکی منطقه، وجود ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق و پایانه‌های مرزی موجود و در حال احداث (پایانه‌های مهران، پرویزخان، باشماق و احداث پایانه‌های جدید مرزی در دهلران، سومار، بانه و مریوان) و نیز ارتقای برخی پایانه‌های گمرکی موجود به منطقه آزاد تجاری، برخی ظرفیت‌های مرزی برای فعال کردن شهرهای کوچک به‌عنوان کانون‌های جمعیت و فعالیت منطقه‌ای است.
- انتقال جریان‌ها و شریان‌های توسعه به شهرهای کوچک باید با ایجاد محدودیت سرمایه‌گذاری، صنعتی‌سازی و تمرکزگرایی جدید در شهرهای بزرگ‌تر به منظور تقویت بنیان‌های اقتصادی و جمعیتی شهرهای کوچک همراه باشد. واضح است بدون تغییر در مجاری و منابع توسعه و جریان‌های سلطه و تمرکزگرایی کنونی که در مضامین اقتصاد و مازاد ملی وجود دارد، دستیابی به توازن و توسعه منطقه‌ای با توسل به استراتژی شهرهای کوچک، بسیار دشوار یا غیرممکن خواهد بود.

- Douglass, M. (1998). A regional network strategy for reciprocal rural-urban linkages: an agenda for policy research with reference to Indonesia. *Third World Planning Review*, 20(1), 1.
- Hinderink, J., & Titus, M. (2002). Small towns and regional development: Major findings and policy implications from comparative research. *Urban studies*, 39(3), 379-391.
- Hinrey, N. (2007). Small towns and urban planning in developing country, *urban studies*, 33(946).
- Kamanda, U. (2007). *Concept of urban Centers and Small Town in Latin, America: Brazilia*.
- Kwiatek-Sołtys, A. (2011). Small towns in Poland-barriers and factors of growth. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 19, 363-370.
- Lu, H., & Campbell, D. E. (2009). Ecological and economic dynamics of the Shunde agricultural system under China's small city development strategy. *Journal of Environmental Management*, 90(8), 2589-2600.
- Rural Economic Development Center. (2006). *North Carolina Small Towns Initiative*.
- Soliman, A. M. (2004). Regional planning scenarios in South Lebanon: the challenge of rural-urban interactions in the era of liberation and globalization. *Habitat International*, 28(3), 385-408.
- Tacoli, C. (2004). The role of small and intermediate urban centres and market towns and the value of regional approaches to rural poverty reduction policy.
- فتحی، الهام. (۱۳۸۱). تحولات جمعیت ایران در دهه اخیر، هفته نامه برنامه، ۷ (۷۰۷).
- فرجی دارابخانی، محمد. (۱۳۸۴). مکانیزم های توسعه شهری در سربله، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- فرهودی، رحمت اله؛ محمدی، اکبر. (۱۳۸۵). تحلیل و پیش بینی وضعیت اشتغال در شهر سنندج با استفاده از مدل تغییر سهم ضریب مکانی و ضریب جینی، پژوهش های جغرافیایی، ۳۸ (۵۵)، ۱۸۹-۲۰۲.
- فرید، یدالله. (۱۳۹۰). جغرافیا و شهرشناسی، چاپ چهارم، تبریز: دانشگاه تبریز.
- فنی، زهره. (۱۳۸۲). شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه ای، وزارت کشور، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری.
- محمدزاده، زهرا. (۱۳۹۱). بررسی وضعیت شهرهای کوچک در سلسله مراتب شهری ایران طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۸، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰-۱۳۵۵). نتایج تفصیلی سرشماری های عمومی نفوس و مسکن.
- مهندسین مشاور ستیران. (۱۳۵۴). شناسایی نقاط گرهی، سازمان برنامه و بودجه.
- نظریان، اصغر. (۱۳۷۸). طرح مطالعاتی جایگاه شهرهای کوچک در توسعه ملی، دانشگاه تربیت معلم.
- هیلهورست، ژوزف. (۱۳۷۰). برداشتی سیستمی در برنامه ریزی منطقه ای، ترجمه غلامرضا شیرازیان، مرضیه صدیقی و ابوالقاسم حسینیون، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- Blowers, A. (2013). *Planning for a sustainable environment*. Routledge.